

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه شریفی‌دوست، حمزه، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور عصر ظهور از زبان آیت الله بهجت/حمزه شریفی‌دوست

مشخصات نشر قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری ۸۸ ص.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۶۷۱-۴

وضعیت فهرست‌نویسی فیبا

یادداشت کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع بهجت، محمدتقی، ۱۲۹۴ - ۱۳۸۸ - نظریه درباره عصر ظهور

موضوع عصر ظهور

موضوع آخرالزمان

موضوع مهدویت

موضوع محمدبن حسن^(ع) امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -

شناسه افزوده نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف

رده‌بندی کنگره ۱۳۹۳ ع ۴ ش / ۵۵ / BP ۲۲۴

رده‌بندی دیویی ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی ۳۵۴۲۶۲۵

عصر ظهور

از زبان آیت الله بهجت (ره)

حمزه شریفی دوست

تمام حقوق محفوظ است

حوزه شریفی-دوست

دفتر نشر معارف

وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

حسن مولوی

سیدمحمدعلی سیدابراهیمی

اول، ۱۳۹۳/۲۰۰ نسخه

۲۰۰۰ تومان

۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۶۷۱-۴

مدیریت پخش دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهید، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۰۰۰۴

پاتوق کتاب قم (شبه اول): خیابان شهید، روبروی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۳۷۷۳۵۴۵۱

پاتوق کتاب قم (شبه دوم): ابتدای بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، تلفن: ۳۳۹۰۴۴۰

پاتوق کتاب تهران: خیابان انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۷۱۵، تلفن: ۸۹۱۱۲۱۲

پاتوق کتاب شیراز: سی‌تری سینما سندی، بین چهارراه ذوالنوار و چهارراه مشیرنو، پلاک ۱۵۰، تلفن: ۰۷۱۱۳۳۴۴۶۱۵

پاتوق کتاب مشهد: چهارراه شهید، خیابان آیت‌الله بهجت، نشی کوچه هفتم، تلفن: ۰۵۱۱۳۳۲۰۱۱۹

پاتوق کتاب کرمانشاه: چهارراه مدرس، خیابان بزرگسکان، پلاک ۴۲، تلفن: ۰۸۳۱۷۳۳۸۴۱۱

پاتوق کتاب کرمان: خیابان شهید مطهری، بین کوچه ۵۴ و ۵۶، تلفن ۰۳۴۱۱۳۳۳۱۴۶۶ و نمابر ۳۳۳۱۴۶۸

پاتوق کتاب رشت: خیابان امام خمینی، روبروی بانک رفاه، تلفن ۰۱۳۱۳۳۲۰۶۹۷

پاتوق کتاب ساری: میدان شهید، خیابان ۱۸ دی، روبروی مسجد امام حسن مجتبی، تلفن ۰۱۵۱۳۳۲۵۳۰۲۰

پاتوق کتاب تبریز: میدان ساعت، انتهای خیابان مقصودیه، جنب سازمان فناوری اطلاعات شهرداری، تلفن ۰۴۱۱۵۵۷۶۰۰۰

ketabroom.ir

info@ketabroom.ir

sharif313@yahoo.com

مریم عربی

پایگاه اینترنتی

نشانی اینترنتی

پست الکترونیکی نویسنده

بانی چاپ اول

فهرست مطالب

گفتار مؤلف ۹ | سفیانی از شرایط قطعی است ۱۳ | جنایات سفیانی ۱۴ | پایان کار سفیانی ۱۵ | همزمان بودن بعضی علائم با ظهور ۱۶ | کفار هم گرفتار ظلم می‌شوند ۱۷ | بلاها بعد از این است ۱۸ | حضرت هوای دین‌داران را دارد ۱۹ | دل‌ها قساوت پیدا می‌کنند ۲۰ | با روش‌های عادی دنبال فرج باشیم ۲۱ | معنای نزدیکی ظهور ۲۲ | علاقه امام زمان به ایرانیان ۲۴ | حضرت را در چه سنی دیده‌اند؟ ۲۵ | اگر پرده هم دور عمل خود بکشیم بی‌فایده است ۲۶ | آگاهی حضرت به زمان ظهور ۲۷ | مسئله‌ی غیبت از حدیث ثقلین هم استفاده می‌شود ۲۸ | باب دیدار حضرت مسدود نیست ۲۹ | حضور حضرت در جلسات حدیث کساء ۳۰ | حضرت در امور فردی اجازه ندارند ۳۱ | معصومین همگی به امام زمان حواله می‌دهند ۳۲ | خیال می‌کنید از حال شما بی‌اطلاعیم؟ ۳۳ | اگر دوست خدا هستیم باید امام زمان را دوست داشته باشیم ۳۴ | مثلث برمودا و جزیره خضراء ۳۵ | اعمال مسجد جمکران ۳۶ | برای حوائج شخصی به

جمکران می‌آیند نه برای من! **۳۷** شاید شما هم خدمت حضرت مشرف شده‌اید **۳۸** مسجد جمکران نیازی به معرفی ندارد **۳۹** چرا به مسجد جمکران نمی‌آیی؟ **۴۰** در جمکران اعظم حاجت‌ها را بخواهید **۴۱** اهل سنت و امام زمان (عج) **۴۲** فرج شخصی را فراموش کرده‌ایم و به فکر فرج عمومی هستیم! **۴۳** فرج اگر یک ساعت هم باشد... **۴۴** شاید دو رکعت نماز بهتر از تشریف باشد **۴۵** آیا می‌خواهید امام زمان را هم بکشید؟ **۴۶** غیر از انتظار، بندگی هم لازم است **۴۷** خود را درست کن، ما به سراغت می‌آییم **۴۸** توصیه حضرت به یک مداح **۴۹** در زمان غیبت، مقامات بالاتر از سلمان برایمان ممکن است **۵۰** چرا عجل فرجه را برای رفع تکلیف می‌گوییم؟ **۵۱** فرج را به همراه عافیت طلب کنیم **۵۲** حدیثی که اهل سنت هم نقل کرده‌اند **۵۳** نمی‌دانم چرا تشریف یافته‌ها این سؤال را فراموش می‌کنند! **۵۴** کسانی را دیده‌ایم که گویا به حضرت تلگراف می‌زدند **۵۵** آیا حضرت از دوستانش غافل است؟ **۵۶**

برای نابودی شیعه نقشه می‌کشند. چه کنیم؟ ۵۷ نزدیک‌ترین اوصیا به ما امام عصر است ۵۸ هر که مهدوی نیست، محمدی هم نیست ۵۹ شروع کرد به نام بردن از یاران حضرت ۶۰ خوفِ امام زمان از چیست؟ ۶۱ بزرگترین مصیبت ۶۲ پسر عمو! دعای فرج را فراموش نکن ۶۳ دعای فرج را مثل نماز نافله، جدی بخوانید ۶۴ در آخرالزمان این دعای فرج را بخوانید ۶۵ اگر برای فرج دعا می‌کنید یعنی ایمانتان هنوز پابرجاست ۶۶ اهل شقاوت هم دعای فرج بخوانند ۶۷ رفع نگرانی‌ها فقط با ظهور ممکن است ۸۶ آیا دعای فرج یکی است؟ ۶۸ اصرارِ امام زمان به خواندن دعای فرج ۷۰ با ضعفِ ایمانی که ما داریم از کجا معلوم ثابت قدم می‌مانیم؟ ۷۱ تعهد دسته جمعی بدهید که امام عصر را یاری کنید ۷۲ قوت رابطه با ولی عصر در اصلاح نفس است ۷۳ اگر در دعای فرج جدی باشید قطعاً مبصراتی خواهید داشت ۷۴ دعایمان برای تعجیلِ فرج است، کارمان برای تبعیدِ فرج! ۷۵ سرّی

در این دعا وجود دارد ۷۶ دُستانِ ما کجا ناراحتند؟ ۷۷ ای کاش می‌نشستیم و درباره ظهور گفتگو می‌کردیم! ۷۸ امام زمان عامل کشتار یا مانع کشتار؟ ۷۹ همه طوعاً یا کُرهاً تابع امام عصر می‌شوند ۸۰ چه کسی امام زمان را می‌کشد؟ ۸۱ متن دعای فرج ۸۲ دعایی که ظاهراً سرّی دارد! ۸۳ دعایی که در زمان گرفتاری زیاد باید خوانده شود ۸۴ منشورات نشر معارف از این نویسنده ۸۵

مؤلف

امروزه شاهد حضور کم سابقه‌ی - دست کم - ۳۰ عرفان وارداتی در ایران هستیم. بسیاری از این جریانات ادعای نجات‌بخشی داشته و پاره‌ای از آنان به موعودی که البته منجی‌اش می‌دانند باور دارند. شناخت گونه‌های مختلف منجی‌گرایی در عرفان‌های کاذب خود مجالِ وسیع می‌طلبد، اما آن چه جای تأمل دارد اقبال جوانان نسبت به جریاناتی است که برنامه‌ی ناقص و طرح ناکارآمدِ خویش را با نمادِ بهشتِ آخرالزمان عرضه می‌کنند؛ کتاب «زمینی نو» نوشته اکهارت توله، چهارده ترجمه به زبان فارسی خورده و کتاب «آینده طلایی» اشو تجدید چاپ‌های متعدد در ایران داشته است. عرفان حلقه‌ای‌ها بجای باور به حجّتِ حاضر به شبکه شعور کیهانی اعتقاد داشته و آن را نماینده تام‌الاختیارِ خداوند روی زمین دانسته و هوادارانِ خود را به اتصال و ارتباط با این شبکه فرامی‌خوانند. قانون جذبی‌ها، «تجسم خلاق» را بزرگترین دکل مخابراتی روی زمین

دانسته و جهانِ دلخواه خویشتن را از راه تصویرسازی ذهنی دست‌یافتنی می‌دانند، به گونه‌ای که صنعتِ «تکنولوژی فکر» را در داخل تأسیس کرده‌اند. پائولو کولتلیو مأموریتِ جهان را کشفِ «روح جهان» دانسته و زندگیِ مطلوب را تنها با تعقیبِ «افسانه شخصی» امکان‌پذیر می‌داند. شیطان‌گرایان اگرچه از جهانی سیاه و تاریک سخن می‌گویند، اما بعد از آن که خداوند را برای سامان دادن به وضعیت موجود عاجز معرفی کرده، بدون سخن گفتن از علت‌العللِ این سیاهی - که بی‌اعتناییِ طراحانِ تمدن غربی به دین و ارزش‌های وحیانی است - به دنبال منجیِ شیطانی (لوسیفر) می‌گردند. موعودگرایی در مکاتب شرقی هم‌چون بودیسم و هندوئیسم و مکاتب غربی مانند کابالا (عرفان رمزآلود یهود) هم که شرحی دراز دارد.

وجه مشترک مکاتب بالا این است که جایی برای «موعود حقیقی» باقی نگذاشته‌اند، خود را بی‌نیاز از او نشان داده و حتی انکارش کرده‌اند. بماند که شتون او را به خود نسبت داده و خود عملاً بر جایگاهش تکیه زده‌اند.

در چنین شرایطی بایستی - ضمن آسپ‌شناسی عرفان‌های کاذب - به چند کار اثباتی و ایجابی بپردازیم:

اول؛ موعود حقیقی معرفی شود تا فاصله‌ی ناپیمودنی رهبران معنویت‌های دروغین با منجی حقیقی روشن گردد.

دوم؛ اثبات شود عدل‌گستری و برچیدن بساط ستم و جور که موعود حقیقی پرچم‌دار آن است، با ظلم‌پذیری و مدارا با نظام سلطه که معنویت‌های جدید (سکولار) دنبال آن

هستند، تفاوت بسیاری دارد.

سوم؛ در دسترس بودن منجی حقیقی نشان داده شود تا غیبت ظاهری او، مانعی بر سر راه ارتباط با او شمرده نشود و در نتیجه سهل بودن ارتباط با او، همگان را به آغوش پر مهرش بکشاند.

چهارم؛ راهکار ارتباط با منجی الهی به زبانی شیوا و همه‌فهم بیان شود تا مشتاقان معنویت و عرفان بدون درگیر شدن با مباحث نظری و تئوریک، درک شایسته‌ای از موعود، الهی و فهم مناسبی از روش‌های ارتباط‌گیری با او پیدا نمایند.

پنجم؛ راه‌های ارتباط قلبی با موعود الهی از زبان کسی بیان شود که خود سالک این راه بوده و از لذات و بهجت‌های این مسیر بهره‌مند بوده باشد.

ششم؛ نیاز به منجی، منحصر به «نیاز سیاسی» دیده نشود و نباید تنها برای اداره‌ی جامعه و تشکیل حکومت، سخن از «انتظار» به میان آید؛ بلکه تشکیل جامعه‌ی الهی، مقدمه‌ای برای «پرورش انسان الهی» به شمار آید. به عبارت روشن‌تر؛ رشد باطنی و شکوفایی معنوی انسان‌ها، بزرگترین ره‌آورد ارتباط با موعود حقیقی شمرده شود.

هفتم؛ منجی خود «گماشته‌ی خداوند» و بخشی از برنامه‌ی الهی برای جهانیان معرفی شده که به دستور خداوند در غیبت ظاهری به سر می‌برد و در نهایت نیز با اذن و دستور الهی - نه از سر خود - به میان بندگان‌ش برخواهد گشت. چنین منجی‌ای با منجی‌های خودخوانده‌ای که معتقد به برنامه‌ی پیشین الهی برای انسان‌ها نبوده و آدمیان را یکه و رها می‌پندارند، قابل قیاس نیست.



به نظر می‌رسد گفته‌های آیت‌الله بهجت در این کتاب، همه‌ی هفت محور بالا را پوشش داده است.

ذکر نکته‌ای دیگر در این جا لازم است که جمع بین توصیه‌های مختلف آیت الله بهجت و تفکیک بین رهنمودهای اَهم و مهم ایشان ضروری است. به عبارت دیگر؛ سلوک معنوی و تهذیب اخلاقی در اندیشه‌ی آیت الله بهجت، مسئله‌ای چند بُعدی است که با موضوعات مختلفی گره خورده است. از این روست که اعمالی همچون دعا، توسل، صبر، نماز، ذکر، احتیاط در عمل، انس با قرآن، ظلم ستیزی، صمت و سکوت در کلمات ایشان زیاد به چشم می‌خورد. اما اگر کسی بخواهد از میان توصیه‌های متعدد آیت الله بهجت، موضوعی زیربنایی و پرتکرار را انتخاب نماید بی‌تردید باید سراغ «امام زمان» (عج) برود. ارتباط با امام عصر (عج) همان کلید واژه‌ی بنیادین در بیانات آن عارف ربانی است که در حکم سنگ آسیاب و بند تسبیح در اندیشه‌ی وی محسوب می‌شود.

در این کتاب بجز موارد نادری که اصطلاحات حوزوی و نامأنوس، به معادل فارسی تبدیل گردیده است، سخنان آیت الله بهجت بدون تصرف و دست‌کاری آمده است. امیدوریم خداوند به برکت توجه خاص امام زمان (عج)، توفیق عمل به این گفته‌ها را به همگان عنایت فرماید.

■ سفیانی از شرایط قطعی است

سفیانی از شرایط قطعی ظهور است و چند ساعت بعد از ظهور [و تسلط

کامل] سفیانی، حضرت ظهور می فرماید.^۱

۱. شمس الدین، سید مهدی، بهارانه، موسسه توسعه فرهنگ قرآنی، درس خارج ۸۲/۸/۶ همین طور پایگاه اطلاع رسانی مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت، فرمایشات، احادیث و ذخایر اهل بیت. (www.bahjat.ir)

■ جنایات سفیانی

در روایت آمده است: وقتی سفیانی خروج می‌کند، هر شخصی نام علی، فاطمه، حسن و یا حسین را دارد می‌کشد. پس از آن که عده‌ای کشته می‌شوند بقیه می‌گویند: پدران و مادران ما گناه کرده‌اند و این اسم‌ها را بر ما گذاشته‌اند، ما چه تقصیری داریم؟ در این جا سفیانی تفضّل می‌کند (بر آنها منت می‌گذارد) و به افراد خود دستور می‌دهد از کشتن بعضی از نام‌ها خودداری کنند ولی صاحب بعضی نام‌ها را بکشند. سرانجام با ظهور آن حضرت، فرج برای عالم و به‌خصوص برای اهل ایمان حاصل می‌شود.^۱

۱. در محضر آیت الله بهجت، رخشاد، محمدحسین، ج ۳، ص ۸۵. قابل ذکر است در این کتاب که به همت مولف ارجمند در طی سالیان طولانی، گردآوری شده، مطالب متعدد از آیت الله بهجت به صورت پراکنده - به شکل نقل بیانات و عموماً در کلاس درس خارج - جمع‌آوری شده است.

■ پایان کار سفیانی

در روایات آمده حکومت سفیانی هشت ماه بیشتر طول نمی کشد، ولی در این مدت کوتاه، مواضع مهم را تصرف می کند. مرحوم حاجی نوری نقل می کند: سفیانی را نزد حضرت حجت می آورند در حالی که عمامه اش را دور گردنش پیچیده اند. سفیانی به حضرت می گوید یا بن رسول الله، مرا نکش. طبق این نقل اطرافیان می گویند: کسی که این همه اولاد رسول الله را کشته، او را آزاد می کنید؟ در هر حال آنقدر به حضرت فشار می آورند تا این که حضرت می فرماید: «شأنکم» (کار خودتان را بکنید)، خودتان می دانید، اختیار با خودتان، هر کار می خواهید بکنید. بدین ترتیب گویا حضرت اجازه می دهد او را بکشند و سرانجام او را می کشند.^۱

■ همزمان بودن بعضی علائم با ظهور

علائمی اعم از حتمیه و غیر حتمیه برای ظهور آن حضرت ذکر کرده‌اند. ولی اگر خبر دهند فردا ظهور می‌کند، هیچ استبعاد ندارد [دور از انتظار نیست]. لازمه این مطلب آن است که در بعضی از علایم بدا^۱ صورت گیرد و بعضی دیگر از علایم حتمی هم مقارن با ظهور آن حضرت اتفاق بیافتد. در روایت است که فتنه‌هایی بر اهل ایمان می‌آید: «كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ» همانند پاره‌های شب تاریک.^۲

۱. بدا از اعتقادات مشترک شیعه و اهل تسنن است. بدا به این معنا نیست که اراده خداوند دگرگون می‌شود و یا برای خداوند علم جدیدی پیدا می‌شود، بلکه به این معناست که پاره‌ای از مقدرات غیر حتمی خداوند، بخاطر بعضی از اعمال بندگان مانند صدقه و دعا و صلح رحم و ... تغییر می‌کند. بدا شبیه نسخ است، با این تفاوت که نسخ در حکم و تشریح است، اما بدا در تکوین است. در کتاب شریف کافی اینگونه روایت شده است: خداوند به هیچ عبادتی مانند بدا پرستش نشده است. (رک: المیزان، ج ۱۱، ص ۳۸۱)

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۲، ۳. در محضر بهجت، همان، ج ۲، ص ۴۲۲.

■ کفار هم گرفتار ظلم می شوند

عبارت « بعد ما ملئت ظلماً و جوراً » (که در آخرالزمان، زمین پر از ظلم و جور می شود) تهدید عجیبی است. زیرا می رساند که در آن زمان در روی زمین یک وجب هم عدل حاکم نیست. ظلم به گونه ای حاکم است که حتی همه ملل، حتی کفار هم می دانند به ظلم گرفتارند. معنای روایت این است که ظلم فراگیر می شود و گویا آن زمانی است که همه (چه دیندار و چه بی دین) اعتراف می کنند که وضعی که در آن قرار گرفته اند وضعی عقلایی که ممکن باشد بشر در سایه آن زندگی انسانی کند، نیست. در روایت، کلمه ی کفر ذکر نشده، بلکه ظلم و جور ذکر شده است. زیرا چه بسا حکومت های [کافر] ولی همراه با عدل (مثل انوشیروان) بوده اند.^۱

■ بلاها بعد از این است

هر چه زمان ظهور نزدیکتر می‌شود، بلاها بیشتر می‌شود. هنوز بلاها بعد از این است. حالا ما در راحتی و نعمت هستیم.^۱



■ حضرت هوای دین داران را دارد

انصاف این است که در زمان نزدیک به ظهور که ظلم فراگیر می‌شود، به افرادی که پیش از ظهور در دین و ایمان باقی می‌مانند و ثابت قدم هستند، عنایات و الطاف خاصی می‌شود تا از دین خارج نشوند. زیرا حضرت ولی عصر تکیه گاه مردم است و کسانی که تکیه‌گاهشان آن حضرت باشد کوهِ ایمانند. گویا مردم تا زمان نزدیک به ظهور تصفیه می‌شوند و حضرت بعد از بازگشت بیشتر کسانی که به امامت او اعتقاد دارند قیام می‌کنند (يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَ ارْتِدَادِ أَكْثَرِ الْخَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ). قهرا کسانی که از ابتلائات و آزمایش‌های الهی بیرون آمده‌اند، الطاف خاصی از ناحیه‌ی آن حضرت شاملشان می‌شود.^۱

■ دل‌ها قساوت پیدا می‌کنند

در روایت است که ظهور قائم آل محمد بعد از قساوت دلها (بعد قَسْوَةِ الْقُلُوبِ) خواهد بود. با این که اندوه و شادی مؤمن به دیگر مؤمنان سرایت می‌کند، چرا ما با این همه بلاها و مصایب که بر اهل ایمان وارد می‌شود، بی تفاوت هستیم؟ یا ما ایمان نداریم و یا آن‌ها [ایمان ندارند] و یا قلب‌ها قسی شده است؟^۱

■ با روش های عادی دنبال فرج باشیم

آقایی در جریان کشف حجاب، برای نابودی پهلوی [رضاخان] ختم گرفته بود [ظاهراً وی از طریق علوم غیر متعارف اقدام به این کار کرده بود]. علمایی که از دنیا رفته بودند یکی پس از دیگری نزد او می آمدند و می گفتند: آقا، ادامه ندهید، فرج به تأخیر می افتد. تا این که دو نفر از ایشان، شخص سومی را جهت شفاعت نزد آن آقا آورده بودند. با وجودی که در دنیا به نظر می رسید که آن دو نفر مقامشان بالاتر از آن شخص سوم بود که او را برای شفاعت آورده بودند و ایشان در دنیا تحت الشعاع آن دو آقا بودند. ولی در آن جا قضیه به عکس بوده است.^۱

۱. مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت، فرمایشات، (www.bahjat.ir). مؤلف کتاب در محضر آیت الله بهجت در این باره آورده است که انجام کارهای غیر متعارف که سیر عادی اسباب و مسببات را تسریع می بخشد، در حیطه‌ی وظیفه‌ی ما نیست و چه بسا ممنوع باشد؛ و یا این که در این مورد به خصوص امکان دارد که ختم گرفتن هرچند موجب اضمحلال و سرنگونی رژیم پهلوی را فراهم می کرده ولی از کجا معلوم که بدتر از او سرکار نمی آمد، و یا حکمت های دیگری که خداوند و اولیائش بهتر از ما میدانند. (در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۳۴۸)

■ معنای نزدیکی ظهور

از هر کس [از بزرگان] درباره‌ی وقت ظهور سوال شده، همه گفته‌اند که ظهور نزدیک است. البته نزدیکی وسعت دارد. لذا [در قرآن] هم قیامت و ساعت، قریب شمرده شده است [اقتربت الساعة]. [در نهج البلاغه] هم گفته شده: کُلُّ قَرِيبٍ آتٍ.^۱ هر آینده‌ای نزدیک است.

لذا اگر بزرگان فرموده‌اند «فلان سال»، حمل بر مجاز یا توریه^۲ می‌شود، لمصلحة (برای مصلحتی)، زیرا شیعه طاقت طول مدت را ندارد. یکی از آقایان معتقد بود که فرج نزدیک است. ولی نقل می‌کرد که کسی از طریق جفر^۳ اطلاعاتی دارد که می‌گوید فلان قدر است. ولی اگر بگوید

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۲. توریه به این معناست که انسان بخاطر مصلحتی و به علت وجود یک خطر و مانع، جمله‌ای بگوید و خلاف ظاهرش را اراده کند. در توریه هدف این است که واقعیت مطلب از شنونده پنهان شود، از این رو منظور گوینده یک چیز است و شنونده، معنای دیگری برداشت می‌کند. به عبارت دیگر؛ گوینده، بدون این که کلامش دروغ باشد، پیامد منفی آن سخن را از خود دور می‌کند. توریه مصادیق متعددی در قرآن دارد. مثل آنجا که ابراهیم بعد از شکستن بت‌ها این کار را به بت بزرگ نسبت داد. (قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ، انبیا/۶۳). در حالی که واقعا بت بزرگ این کار را نکرده بود. مراد ابراهیم این بود طبق عقیده شما الان تنها بت بزرگ باقی مانده و قرآن نشان میدهد که بت بزرگ این کار را کرده است. شاهد این معنا آن است که بلافاصله ابراهیم به آن‌ها گفت: اگر بت بزرگ حرف می‌زند از خودش بپرسید. یا مانند آیه ۷۰ سوره یوسف که به برادران یوسف گفته شد: ای کاروانیان! شما دزدید (أَيُّهَا الْعِيزُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ). در حالی که آن‌ها ظرف را زدییده بودند. منظور گوینده این بود شما دزد یوسف بودید و یوسف را از پدرش ربودید. (بنا به نظر بعضی مفسرین)

۳. علم جفر از علومی است که علوم حروف نام گرفته و با استفاده از آن به کشف پاره‌ای از پدیده‌های عالم و رموز هستی دست می‌یابند. این علم در روایات تأیید شده و مراتب بالای آن در اختیار امامان معصوم است. آیت الله مرعشی

شاید طاقت شنیدنش را نداشته باشید. در واقع می‌توان گفت: فرج به زمانیات موقت است نه به نفس زمان. (یعنی فرج به اموری وابسته است که زمانبردارند، نه این که به گذشت زمان خاصی بسته باشد).^۱

نجفی در این باره می‌گوید: این علم از علوم شریفی است که حقیقت دارد و البته مدعی کاذب زیاد داشته است. ۱ . ۵۰۰ نکته از آیت الله بهجت، ص ۱۷.

■ علاقه امام زمان به ایرانیان

بعضی از کسانی که حضرت حجت را دیده‌اند، گفته‌اند: «عمامته کعمامه العجم» عمامه‌ی آن حضرت همانند عمامه‌ی [روحانیان شیعه] و عجم و ایرانیان است. از این جا معلوم می‌شود که آن حضرت به ایرانی‌ها علاقه و میل دارند.^۱



■ حضرت را در چه سنی دیده‌اند؟

کسانی که به خدمت حضرت حجت مشرف شده‌اند و امام زمان (عج) را - چه در خواب و چه در بیداری - دیده‌اند، معمولاً آن حضرت را در سن جوانی و به صورت شخصی سی تا چهل ساله دیده‌اند، جز یک نفر که گفته ایشان را در سن واقعی آن حضرت (بیش از هزار سالگی) دیده است.^۱

■ اگر پرده هم دور عمل خود بکشیم بی فایده است
در روایت کافی آمده است در هر شهری عمودی از نور است که امام
علیه السلام اعمال بندگان را در آن می بیند و یا مَلْکِی برای او خبر
می آورد. هم چنین روح القدس تایید کننده‌ی او و به همراه اوست، غیر
از آن روحی [فرشته‌ای] که هر سال یکبار در شب قدر بر او نازل میشود.
بنابراین اگر مثلاً پرده‌ای هم دور عمل خود بکشیم فایده ندارد و دید امام
نافذتر است و در برابر چشمان واقع‌بین امام مانع و حائل ایجاد نمی‌کند.
هم چنین در روایت امام، مقابله و مُحَاذَات (کنار او بودن و موازات)
شرط نیست. بلکه (امام) هر جا که نشسته بر عرضین سفلی و سماوات
سبع و ما فیهن و ما بینهن اشراف دارد. اگر مسئله امام شناسی بالا رود
خداشناسی هم بالا میرود. زیرا چه آیتی بالاتر از امام؟^۱

■ آگاهی حضرت به زمان ظهور

خود حضرت هم منتظر روز موعود است و خودش می‌داند که چه وقت ظهور می‌کند. این که گفته می‌شود که آن حضرت وقت ظهورش را نمی‌داند درست نیست.^۱

۱. در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۲۱۰.

■ مسئله‌ی غیبت از حدیث ثقلین هم استفاده می‌شود
حدیث ثقلین از دلایل اثبات غیبت امام زمان است. زیرا پیامبر در آن
حدیث می‌فرماید که «قرآن و عترت از هم جدا نمی‌شوند» (إِنَّهُمَا لَنْ
يَفْتَرِقَا). معنای این جمله آن است که چه حاضر باشند و یا غایب. اگر
کسی این حدیث را تحقیق و معنای آن را تحصیل کند مسئله‌ی غیبت
برای او واضح خواهد بود. زیرا [اگر قرار باشد که قرآن باشد و امام عصر
نباشد افتراق بوجود آمده] و در این صورت لزوم الانفکاک بین القرآن و
العتره [لازم می‌آید انفکاک و جدایی بین قرآن و عترت].^۱ این دو نه در
اعتقاد نه در [عالم] خارج از هم جدا نمی‌شوند تا این که در کنار حوض
در کنار هم قرار گیرند. تنها کسانی از حوض کوثر خواهند نوشید که با
قرآن و عترت با هم باشند.^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۶۹

۲. ۶۰۰ نکته از ایت الله بهجت، ج ۱، ص ۳۳۲.

■ باب دیدار حضرت مسدود نیست

در زمان غیبت هم عنايات و الطاف امام زمان نسبت به شیعیانش زیاد دیده شده، باب لقا و حضور بالکل مسدود نیست، بلکه اصل رؤیت جسمانی را هم نمی‌شود انکار کرد.^۱

■ حضور حضرت در جلسات حدیث کساء

خیلی دیده شده و گفته‌اند که حضرت حجت را در مجالس توسل یا حدیث کساء دیده‌اند، هر چند جد بزرگوارش پیغمبر اکرم (ص)، بلکه حضرت امیر و فاطمه زهرا و حسنین هم حاضر بوده‌اند؛ زیرا اهل کساء از آن حضرت افضلند، ولی فضیلتی و خصیصه‌ای برای آن حضرت است که برای آنها نبود و آن طول عمر و اشراق و افاضه به اوست [فیض الهی و علوم الهی دائماً به او میرسد].^۱

■ حضرت در امور فردی اجازه ندارند

حضرت غائب دارای بالاترین علوم است و اسم اعظم بیش از همه در نزد خود آن حضرت است. با این حال به هر فرد که در خواب و یا بیداری به حضورش مشرف شده، فرموده: برای من دعا کنید. در حالی که مرده را زنده می‌کند، خود در زندان وسیع به سر می‌برد. اما در مورد خود حق ندارد، هر چند برای دیگران مخصوصاً در امور فردیه عنایت خاصی دارد، اما در مورد امور اجتماعی که مربوط به خود آن حضرت است، خیر.^۱

■ معصومین همگی به امام زمان حواله می‌دهند

بدون تردید هر فیضی که به ما می‌رسد - چه خصوصی و چه عمومی و چه داخلی و یا خارجی، چه جسمانی و چه روحانی - فقط از ناحیه همان یک فیض (امام زمان) است و توجه به همهٔ ائمه هم به او بر می‌گردد؛ لذا شخصی به حضرت رسول توسل نمود و حضرت رسول او را به فلان امام و فلان امام و در آخر به امام زمان (عج) حواله داد.^۱

■ خیال می‌کنید از حال شما بی‌اطلاعم؟

آقایی می‌گفت: مدت‌ها به فقر و گرفتاری مبتلا بودم. چهل روز به امام زمان متوسل شدم و به آن حضرت عریضه نوشتم و در آب جاری انداختم. روز آخر صدایی شنیدم که مرا با نام و نام پدر خواند و گفت: خیال می‌کنید ما از حال شما مطلع نیستیم؟ بدون این که چیزی بدهد، آن صدا سوزِ دلِ مرا آرام کرد. مثل این که آب روی آتش بریزند.^۱

■ اگر دوست خدا هستیم باید امام زمان را دوست داشته باشیم
ما امام زمان عجل الله له الفرج را دوست می داریم، چون امیر نحل است
(یکی از القاب علی ابن ابیطالب است، بمعنی پادشاه زنبوران) امور ما مطلقاً
به وسیله او به ما می رسد؛ و او را پیغمبر صلوات الله علیه برای ما امیر
قرار داده؛ و پیغمبر را دوست داریم، چون خدا او را واسطه بین ما و خود
قرار داده؛ و خدا را دوست داریم، برای اینکه منبع همه خیرات است و
وجود ممکنات، فیض اوست.

پس اگر خود و کمال خود را خواهیم، باید دوست خدا باشیم؛ و اگر
دوست خداییم، باید دوستِ وسائطِ فیوضاتِ او از نبی و وصی، باشیم؛
و گرنه یا دوست خود نیستیم، یا دوستِ واهب العطا یا (بخشنده نعمت‌ها)
نیستیم، یا دوستِ واسطه‌های فیض نیستیم.^۱

■ مثلث برمودا و جزیره خضراء

سوال: اخیراً کتابی نوشته شده دربارهٔ مثلث برمودا که مؤلف در آن سعی کرده اثبات کند جزیره خضرائی که در روایت آمده و در آن جا با امام زمان (عج) ملاقات حاصل شده، همان مثلث برموداست. آیا جزیرهٔ برمودا همان جزیرهٔ خضرا است؟^۱

جواب: امام در هر کجا باشد، آن جا خضراست. قلب مؤمن جزیرهٔ خضراست. هر جا باشد حضرت در آن پا می‌گذارد. قلب‌ها از ایمان و نور معرفت خشکیده است. قلبِ آباد به ایمان و یاد خدا پیدا کنی تا برای شما امضاء کنم که امام زمان (عج) در آن جا هست.^۲

آیا جزیرهٔ خضراء یک جای ثابتی است یا این که هر کجا حضرت باشد، جزیرهٔ خضراست؟ مؤید نظر دوم این است که حضرت خضر که از آب حیات نوشیده، هر کجا می‌رود در آن جا سبزه می‌روید. نیز دربارهٔ حضرت خضر آمده که هر کجا [نام او] ذکر شود، آن جا حاضر است و هر وقت او را یاد کردید، به او سلام کنید.^۳ آیا امکان دارد حضرت حجت که از خضر بالاتر است، چنین نباشد؟^۴

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۷۹.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸.

۴. در محضر بهجت، ج ۲، ص ۳۰۹.

■ اعمال مسجد جمکران

بجا آوردن اعمال [شب چهارشنبه در جمکران] نیاز به دلیل [خاص شرعی] ندارد. زیرا ائمه، در همه جا حاضر و ناظرند، مخصوصاً این که اصل بنای جمکران به امام زمان (عج) منسوب است. شاید اگر غیبت حضرت طول بکشد، در هر جایی مسجدی و یا... برای ارتباط و توسل به آن حضرت درست شود، چنان که در وادی السلام نجف مقام مهدی (عج) وجود دارد و در مسجد سهله که مخصوص و مأثور [دارای سند حدیثی] و دارای اعمال و ادعیه و نمازهای مخصوص است نیز مقام صاحب الزمان (عج) وجود دارد و در مسجد جمکران هم به تواتر کرامت‌های زیادی نقل شده است.^۱

■ برای حوائج شخصی به جمکران می‌آیند نه برای من!
آقایی^۱ که زیاد به مسجد جمکران می‌رود، می‌گفت: آقا را در مسجد جمکران دیدم. به من فرمود: به دلسوختگان ما بگویید برای ما دعا کنند و یک مرتبه از نظرم غایب شد، نه اینکه راه برود و کم‌کم از نظرم غایب شود.

ولی افسوس که همه برای برآورده شدن حاجت شخصی خود به مسجد جمکران می‌روند و نمی‌دانند آن حضرت خود چه التماس دعاهاپی از آن‌ها دارد که برای تعجیل در فرج او دعا کنند. چنان‌چه به آن آقا فرموده‌بود: این‌ها که به این‌جا آمده‌اند، دوستان خوب ما هستند و هر کدام حاجتی دارند؛ خانه، زن، فرزند، مال، ادای دین، ولی هیچ کس به فکر من نیست.^۲

۱ . مرام آیت الله بهجت این گونه بوده که مشخصات کامل افراد تشریف یافته را ذکر نمی‌کرد و چه بسا بعضی از این امور، تجربه شخصی ایشان بوده است.

۲ . در محضر آیت الله بهجت، ج ۲، ص ۱۱۸.

■ شاید شما هم خدمت حضرت مشرف شده‌اید

تنها پیدا کردن و دیدن آن حضرت مهم نیست، زیرا دیدن آن حضرت که همیشه میسور نمی‌شود و ممکن نیست. لذا آقای گفته بود: شاید شما هم به خدمت حضرت مشرف شده‌اید و خیلی‌ها هم مشرف شده‌اند. اگر مشرف شدید به آن حضرت نگویید که از خدا برای من زن، خانه، دفع فلان بیماری و... را بخواه، زیرا این‌ها چندان اهمیتی ندارد. مطلب همین طور است. هر کدام در فکر حوائج شخصی خود هستیم و به فکر آن حضرت که نفعش به همه می‌رسد و از اَهم ضروریات است، نیستیم.



■ مسجد جمکران نیازی به معرفی ندارد

خود این مسجد (جمکران)، افراد را راهنمایی می‌کند. منتهی حرف من این است که ما معتقدیم این مشاهد مبارکه و مساجدی مانند مسجد جمکران، مستغنی از معرفی هستند. ما بر این اعتقادیم که اگر کسی بگوید رفته‌م و چیزی آن‌جا ندیدم به حسب ظاهر باید گفت: از روی اعتقاد صحیح نرفته‌ام یا برای امتحان رفته‌ام یا همین طوری رفته‌ام. به هر حال بهترین مُعَرِّف (معرفی‌کننده) این اماکن، خودشان هستند.^۱

۱ . باقی زاده رضا، برگی از دفتر آفتاب، انتشارات کمال اندیشه، ص ۱۸۳.

■ چرا به مسجد جمکران نمی‌آیی؟

عده‌ای از پاکان و نیاکان با حضرت صاحب سؤال و جواب می‌کنند و حاجت می‌طلبند و جواب می‌گیرند و در مسجد جمکران صدای آن حضرت را می‌شنوند. آقای را که در بیداری دیده بودم در خواب به من فرمود: چرا به مسجد جمکران نمی‌آیی؟^۱



■ در جمکران اعظم حاجت‌ها را بخواهید

آری؛ او هزار سال است که زندانی است؛ لذا هر کسی که برای حاجتی به مکان مقدسی مانند مسجد جمکران می‌رود، باید که اعظم حاجت نزد آن واسطه فیض یعنی فرج خود آن حضرت را از خدا بخواهد.^۱

■ اهل سنت و امام زمان (عج)

اهل تسنن در مورد حضرت صاحب(عج) می‌گویند: چنین چیزی خرافات و خواب است، مگر ممکن است بعد از خواب هزار ساله بیاید؟ می‌گوییم پس چرا خضر(ع) این همه مدت حیات دارد؟ بعضی در پاسخ گفته‌اند: خضر ضامن تکلیف نیست، اما امام زمانی که شما می‌گویید ضامن تکلیف است، لذا باید حضور داشته باشد و باید بیاید. ما هم می‌گوییم: مگر نه این است که پدرانِ شما از پدرانشان خیلی اطاعت کردند و آن‌ها [امامان] همواره مسموع و مطاع (اطاعت شونده) بودند پس ناچار باید این امام زمان(عج) هم بیاید و حکم بگوید تا شما اطاعت کنید؟^۱

■ فرج شخصی را فراموش کرده‌ایم و به فکر فرج عمومی هستیم! با این که ارتباط با آن حضرت و فرج شخصی، امرِ اختیاری ماست [هرکسی باید ارتباط شخصی‌اش با امام زمان (عج) برقرار شود و گشایش فردی برایش حاصل گردد] با این حال، چرا به این اهمیت نمی‌دهیم که چگونه با آن حضرت ارتباط برقرار کنیم و از این مطالب غافل هستیم؟ ولی به ظهور و دیدار عمومی آن حضرت [فرج عمومی] اهمیت می‌دهیم و حال این که اگر برای فرج شخصی به اصلاح خود نپردازیم، بیم آن است که در ظهور عمومی آن حضرت از او فرار کنیم.^۱

■ فرج اگریک ساعت هم باشد...

خدا کند راهی برای شرح صدر پیدا کنیم که به واسطه‌ی رئیس‌مان [امام
زمان] تحیر قلبی‌مان برطرف شود. فرج ولو یک ساعت باشد مرحله‌ی
بعد از آن روشنایی است. روشنایی هم فرج ماست.^۱



■ شاید دو رکعت نماز بهتر از تشریف باشد

لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر تشریف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز سپس توسل به ائمه بهتر از تشریف باشد؛ زیرا هر کجا که باشیم، آن حضرت می بیند و می شنود و زیارت هر کدام از ائمه‌ی اطهار مانند زیارت خود حضرت حجت است.^۱

■ آیا می‌خواهید امام زمان را هم بکشید؟

عرقِ ایمانی ما کجا و منزلتِ ایمانی امام زمان (عج) کجا؟ البته اگر ما در نزد او کافر به حساب نیاییم! چرا دستش را بسته‌ایم و خانه‌نشینش کرده‌ایم و اجازه نمی‌دهیم خود را نشان دهد؟ آقای می‌گفت: چرا برای تعجیل فرج دعا می‌کنید؟ آیا می‌خواهید بیاید و او را هم بکشید؟ برای این که مزاحمِ خط و مرام شما خواهد بود. آنان که سایر ائمه را کشتند دیوانه که نبودند، بلکه سبب آن بی‌دینی بود، آیا الان دیگر آن‌طور نیست؟^۱

■ غیر از انتظار، بندگی هم لازم است
تنها انتظار فرج کافی نیست. بلکه تَهَيُّ (آمادگی) و حتی طاعت و بندگی
نیز لازم است. مخصوصا با توجه به قضایایی که پیش از ظهور امام زمان
واقع می شود به حدی که جهان مملو از جور و ظلم می شود.^۱

■ خود را درست کن، ما به سراغت می‌آییم
امام زمان(عج) به شخصی فرمود: خود را درست کن، ما به سراغت
می‌آییم. ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن
حضرت است.^۱



■ توصیه حضرت به یک مداح

مداحی که حال خوبی هم دارد و به خدمت حضرت رسیده است، حضرت به او فرمود: بعد از صلوات بر محمد و آل محمد گفته شود: «عَجَل فرجهم»^۱.

■ در زمان غیبت، مقامات بالاتراز سلمان برایمان ممکن است چه بسا از این روایت که فرموده است: «عبادت در زمان غیبت افضل از عبادت در حال حضور است.» بتوان استفاده کرد که مقامات بالاتری [از سلمان و ابوذر] برای ما ممکن است. مقصودم این است که اگر ما در زمان حضرت رسول بودیم و می‌دیدیم که در اطراف آن حضرت، امثال سلمان هستند که دارای مقاماتی هستند چقدر به آن مقامات عالیه تشویق می‌شدیم، ولی کسی که آنها را نمی‌بیند از تحصیل آن معذور است. زیرا تردید برای او حاصل می‌شود که آیا این گونه مقامات برای او هم حاصل می‌شود یا خیر؟^۱

■ چرا عجل فرجه را برای رفع تکلیف می‌گوییم؟

ما خود را از اطرافیان و دوستان آن حضرت می‌دانیم. ولی در این امر یعنی دعا برای تعجیل ظهور او مسامحه و تنبلی می‌کنیم. ظهور آن حضرت اهم حاجات ماست. ولی ما «عجل فرجه» می‌گوییم فقط برای اینکه بفهمانیم مجلس ختم شد، یا این که برای ازدحام مردم صلوات می‌فرستیم تا مردم جابجا شوند، نه این که جداً بخواهیم صلوات بفرستیم.^۱

■ فرج را به همراه عافیت، طلب کنیم

ما باید انتظار فرج حضرت غایب را داشته باشیم و فرجش را فرج عموم بدانیم و در هر وقت و حال باید منتظر باشیم، ولی آیا می‌شود انتظار فرج آن حضرت را داشته باشیم، بدون مقدمات و تحمل ابتلائاتی که برای اهل ایمان پیش می‌آید؟

با این حال چه اشکالی دارد که تعجیل فرج آن حضرت را با عافیت بخواهیم؛ یعنی این که بخواهیم بیش از این بلاها که تا به حال بر سر مؤمنین آمده، بالای دیگری نبینند؟

در هر حال باید منتظر فرج باشیم، ولی با مقدمات آن... و اهم مقدمات انتظار فرج را که توبه و طهارت از گناهان است را تحصیل کنیم.^۱

■ حدیثی که اهل سنت هم نقل کرده اند

این حدیث حتی از طریق عامه (اهل سنت) نیز وارد شده که حضرت رسول (ص) فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ»؛ برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.^۱

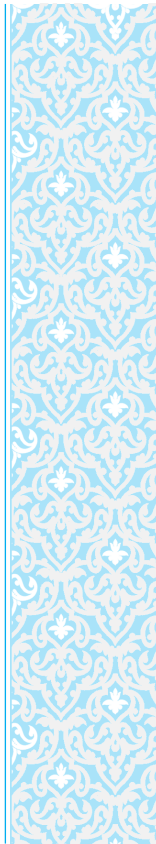
۱. صدوق، کمال الدین، ص ۶۴۴/ ۷۰۰ نکته از آیت الله بهجت، ج ۲، ص ۲۹۶.

■ نمی‌دانم چرا تشرف یافته‌ها این سؤال را فراموش می‌کنند!
نمی‌دانم چرا کسانی که به ملاقات آن حضرت نایل می‌شوند از این
مطلب غافل می‌شوند که از فرج حضرت سؤال کنند و به صرف رسیدن
به خدمت آن حضرت و ملاقات با او قانع می‌شوند؟ اگر چه این هم خوب
است ولی از راه فرج و رهایی از این همه شداید و مخاطرات که برای
اهل ایمان پیش آمده، باید سؤال شود.^۱

■ کسانی را دیده‌ایم که گویا به حضرت تلگراف می‌زدند
ما کسانی را دیده‌ایم که گویی در گشایش و گرفتاری‌ها، با آن
حضرت مخابره و تلگراف داشتند. هر چه می‌گفتند و یا از آن حضرت
می‌خواستند، همان می‌شد. شخصی پیاده و خسته در بیابانی بود. سه
مرتبہ گفت: یا امام زمان (عج)، مالی (وسیله نقلیه و مرکب) بفرست. فوراً
چرخ و ارابه‌ای ظاهر شد و او را سوار نمود و به مقصد رساند.^۱

■ آیا حضرت از دوستانش غافل است؟

آیا حضرت صاحب که از دشمنانش در پشت پرده غیبت است از دوستانش غافل است که هر چه بر سرشان آمد، آمد؟ این گونه خیالها از ضعف ایمان است.^۱



■ برای نابودی شیعه نقشه می‌کشند. چه کنیم؟
وظیفه‌ی فعلی ما با این همه ابتلائات و آتش‌هایی که برای نابودی شیعه
در ایران، عراق، لبنان، پاکستان، افغانستان و ... افروخته شده، دعا و
توسل به حضرت حجت و توصیه‌ی دیگران به دعاست.^۱

■ نزدیک‌ترین اوصیا به ما امام عصر است

سوال: چگونه رابطه خویش را با اهل بیت (علیهم‌السلام) و مخصوصاً صاحب‌العصر (علیه‌السلام)، تقویت کنیم؟

پاسخ: اطاعت و فرمان برداری از خداوند بعد از شناخت او، موجب محبت به خداوند تعالی می‌شود و [همچنین موجب] محبت کسانی که خداوند آنها را دوست دارد، می‌شود؛ که عبارتند از انبیاء و اوصیاء که محبوب‌ترین ایشان به خداوند، حضرت محمد و آل او علیه و علیهم‌السلام می‌باشند؛ و نزدیک‌ترین ایشان به ما، صاحب‌الامر (عجل‌الله تعالی فرجه) می‌باشد.^۱

■ هرکه مهدوی نیست، محمدی هم نیست

هرکه قرآنی نیست، شیعی نیست و هرکه شیعی نیست، قرآنی نیست.

هر که اثنا عشری نیست، محمدی نیست و هر که مهدوی نیست،

محمدی نیست.^۱

■ شروع کرد به نام بردن از یاران حضرت

دکتری متدین و اهل ولایت و شیعه، مدتی در صدد پیدا کردن یاران حضرت حجت می‌گشت و حتی می‌خواست اسامی آن‌ها را بداند. روزی در مطب خود که در خانه‌اش قرار داشت، نشسته بود. شخصی وارد شد و سلام کرد و نشست و فرمود: یاران حضرت عبارتند از و شروع کرد به شمردن نام‌های آن‌ها و تند تند همه‌ی آن‌ها را نام برد و نام یکی نیز «بهرام» بود. به هر حال در طول چند دقیقه همه‌ی سیصد و سیزده نفر را نام برد و گفت: این‌ها یاران مهدی - عج - هستند و بلند شد و رفت. دکتر می‌گوید: او که رفت، من تازه به خودم آمدم که این چه کسی بود؟ آیا من خواب بودم یا بیدار؟ از همسرم که در اتاق مجاور بود پرسیدم: آیا کسی با من کاری داشت و پیش من آمد؟ گفت: آقایی آمد و تند تند حرف می‌زد. دکتر می‌گفت: تازه فهمیدم که من خواب نبودم و او از افراد معمولی نبود.^۱

■ خوفِ امام زمان از چیست؟

در زیارت حضرت غائب وارد شده است: السلام علیک ایها المهدب الخائف (سلام بر تو ای پاکِ بیمناک). با این که اگر انسان خائف باشد، باید خائف [بیمناک] باشد و شخص بی‌گناه و پاک از دیگران بی‌می‌ندارد. ولی آن حضرت با آن حریم پاک، از اظهارِ خود خائف است. بنابراین از گناه ما و به خاطر اعمال ماست که آن حضرت در بیابان‌ها دربه‌در و خائف است.^۱

■ بزرگترین مصیبت

سؤال: مقصود از «مصیبت در دین» که در برخی دعاهاى ما آمده، چیست؟ مانند لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، (خدایا مصیبت ما را در دینمان قرار مده).

پاسخ: همین مصیبتی که به آن مبتلا هستیم. یعنی فقدان امام، چه مصیبتی از این بالاتر؟ خدا می‌داند که به واسطه‌ی [غیبت امام] چه محرومیت‌ها داریم! خصوصاً این که مصیبت در دین مستلزم مصائب دنیویه است و لَاعكْسَ [یعنی این گونه نیست که مصائب دنیوی باعث مصیبت در دین گردد].^۱

■ پسر عمو! دعای فرج را فراموش نکن

در اوقات گرفتاری و شدت، خیلی باید دعای فرج خواند، زیرا دعای فرج، دعا برای فرج شخصی است. لذا در هنگام شدت باید به آن ملتزم شد. حضرت امام سجاد وقتی می‌خواستند پسر حسن بن علی(ع)، داماد حسین ابن علی(علیهم السلام) را به دستور ولید پانصد تازیانه بزنند، به او فرمود: پسر عمو، دعای فرج را فراموش نکن. ایشان عرض کرد: پسر عمو، دعای فرج کدام است؟ حضرت دعایی به او تعلیم فرمود. حسن بن حسن بن علی(ع) شروع کرد به خواندن آن دعا. کسی که مأمور قتل او بود، از منبر به زیر آمد و گفت: قیافه‌ی شخص ستمیده‌ای را می‌بینم، قتل او را به تاخیر بیندازید تا با امیر (ولید) در این باره مشورت کنم. تا این‌که به ولید نامه نوشت و دستور داد که او را رها کنند.^۱

■ دعای فرج را مثل نماز نافله، جدی بخوانید

به طور یقین دعا در امر تعجیل فرج آن حضرت مؤثر است، اما نه لقلقهٔ زبان و عجل فرجه خشک و خالی و وردِ همیشگی که در آخر منبر برای این که مردم از جا بلند شوند گفته می‌شود. دعای تعجیل فرج مثل نماز نافله، عمل مستحبی است یعنی راستی و جدی و با هم و غم و متأثر باشیم و از خدا بخواهیم تا فاصلهٔ هزار و چند ساله که بین مردم و واسطهٔ فیض افتاده است، برطرف شود و به پایان برسد. دعای با حال حزن و اندوه و تأثر قلبی از مردم واقع نمی‌شود، اگر می‌شد قطعاً وضع این‌طور نبود. فرج وقت معینی دارد که در آن وقت، حضرت ظهور می‌کند. [و دعای فرج با تأثر قلبی، فرج را تسریع می‌کند.]^۱

■ در آخرالزمان این دعای فرج را بخوانید

فرموده‌اند در آخرالزمان این دعای فرج که دعای تثبیت در دین است را

بخوانیم:

يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمٌ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

یعنی آن مرتبه از ایمان را که به من منت نهاده‌ی، حفظ کن، نه این که

در مسلمان بودن باقی باشد، چون این معنا تثبیت در دین

نیست! ۲

۱. رهبر انقلاب در دیدار با اساتید، فضلا و طلاب نخبه‌ی حوزه علمیه قم در تاریخ ۲/۸/۱۳۸۹ توصیه‌ی مرحوم آیت‌الله بهجت را برای خواندن دعای «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» نقل کردند و فرمود: مرحوم آقای بهجت (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمودند این دعا را زیاد بخوانید: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک». ممکن بود یک اشکال مقدری وجود داشته باشد، ایشان به آن هم جواب می‌داد. ممکن بود کسی بگوید وقتی می‌گوئیم «ثبت قلبی علی دینک»، ما که دینمان درست است، منطقی است، مستحکم است، [پس مشکلی نداریم و نیازی به این دعا نیست. او این برای آن طبقات پایین است. ایشان می‌فرمود در هر طبقه‌ای که دل انسان و ایمان انسان و دینداری انسان هست، تنزل از آن طبقه، برگشت است. «ثبت قلبی علی دینک» یعنی دین را در همان طبقه‌ی عالی نگه دار و تثبیت کن. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۶۴۲>]
۲. در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۲۶۴.

■ اگر برای فرج دعا می‌کنید یعنی ایمانتان هنوز پابرجاست دعای تعجیل فرج، دوی دردهای ماست. در روایت است که در آخر الزمان همه هلاک می‌شوند مگر کسانی که برای فرج دعا کنند (الا مَنْ دعا بالفرج). ائمه ما با این بیان خیلی به اهل ایمان و شیعیان عنایت کرده‌اند تا خود را بشناسند. علامت گذاری برای آنها کرده‌اند. یعنی اگر برای فرج دعا می‌کنید، علامت آن است که هنوز ایمانتان پابرجاست.. در روایت وارد شده که «يُنْكِرُهُ أَكْثَرُ مَنْ قَالَ بِإِمَامَتِهِ!» بیشتر کسانی که اعتقاد به امامت امام عصر دارند او را انکار می‌کنند. یعنی بیشتر مردم از اعتقاد و ایمان به امامت برمی‌گردند.^۱

■ اهل شقاوت هم دعای فرج بخوانند

خیال می‌کردیم که دعای فرج، تعلیق به عدم شقاوتِ دعاکننده است [گمان می‌کردیم که دعای فرج را کسانی باید بخوانند که هیچ شقاوتی و گناهی ندارند]، در صورتی که چنین نیست. زیرا اگر حضرت غایب ظهور کند، مگر انسان از شقاوت بیرون می‌آید؟ وقتی انسان خودش در آب و گل فرو رفته باشد، اگر دنیا را آب بگیرد، آیا او نجات می‌یابد؟ وقتی حضرت ظهور می‌کند می‌پرسد: این کار آشکار را چرا انجام دادی؟ اما معلوم نیست از کارهای پنهانی ما جستجو کند.^۱

۱. در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۲۶۱.

■ رفعِ نگرانی‌ها فقط با ظهور ممکن است

در هر حال، باید برای تعجیل در امر فرج و رفع نگرانی‌ها و گرفتاری‌ها و نجات و اصلاح حال مؤمنین بگوییم: اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، خدایا با ظهور حجت، این نگرانی را از این امت برطرف ساز.^۱

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۷۴ / در محضر بهجت، ج ۲، ص ۴۰۴.



■ آیا دعای فرج یکی است؟

منظور از دعای فرج که در زمان غیبت باید کرد هر دعایی است که برای

فرج و تعجیل آن باشد، مانند «اللهم عظم البلاء»^۱.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۰۶. این دعا به صورت کامل در پایان همین کتاب آمده است.

■ اصرار امام زمان به خواندن دعای فرج
از سوی امام زمان زیاد سفارش شده و اصرار شده که در این زمانه و
زمینه دعای فرج بسیار خوانده شود.^۱

۱. در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۱۶۶.



■ با ضعفِ ایمانی که ما داریم از کجا معلوم ثابت قدم می‌مانیم؟
دوستان آن حضرت باید دو مطلب مهم را رعایت کنند:
یکی این که در شداید برای فرج دعا کنند، که خود همین مؤذنه‌ای است
برای این که شداید به فرج متصل است.
دیگر این که دعا کنند که ظهور آن حضرت برای اهل ایمان همراه با
عافیت باشد و تا وقت ظهور با وجود بلاها و شداید، ثابت قدم و استوار
در دین و عامل به تکلیف باشند. زیرا ما ایمان می‌شم تمار را نداریم که هر
چه بلاها شدیدتر می‌شد، ایمانش قوی‌تر می‌شد. با ضعف ایمانی که ما
داریم از کجا می‌دانیم که در بلاها و ابتلائات و شداید ثابت قدم خواهیم
ماند؟ از کجا می‌دانیم قلباً از دین خارج نخواهیم شد؟^۱

■ **تعهد دسته جمعی بدهید که امام عصر را یاری کنید**
ما باید امضاء و تعهد بدهیم و موافقت دسته جمعی کنیم که امام غایب
را در عمل به دستورات دینی یاری و نصرت کنیم و نقض عهد و
پیمان شکنی نکنیم.^۱

■ قوت رابطه با ولی عصر در اصلاح نفس است تا رابطه‌ی ما با ولی امر، امام زمان قوی نشود، کار ما درست نخواهد شد. قوت رابطه‌ی ما با ولی امر (عج) هم در اصلاح نفس است. آیا واقعا تا خودمان را اصلاح نکنیم، کار درست می‌شود؟^۱

■ اگر در دعای فرج جدی باشید قطعاً مُبَصِّرَاتی خواهید داشت
قطعا اگر کسانی در دعای [فرج] جدی و راستگو باشند و به هم و
ناراحتی اهل بیت مهموم و غمگین باشند و به سُرور آنان مُسْتَبْشِر
[خوشحال] باشند مُبَصِّرَاتی [دریافت‌های غیبی] خواهند داشت و قطعا
مثل ما چشم بسته نیستند.^۱

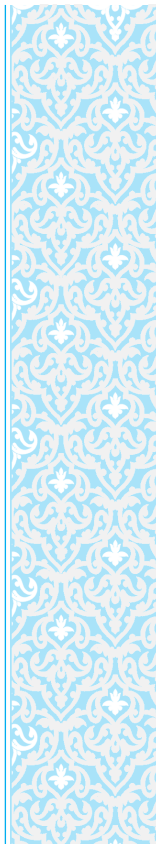


■ دعایمان برای تعجیل فرج است، کارمان برای تبعید فرج!
[این گونه نباشد] که برای تعجیل فرج دعا کنیم، اما کارهایمان برای
تبعید و تأجیل فرج (دور کردن و به تاخیر انداختن) آن حضرت باشد.^۱

۱. در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۱۱۹.

■ سَرِّی در این دعا وجود دارد
این که در زمان غیبت به خواندنِ دعای **اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ**.. سفارش
شده ظاهراً سَرِّی دارد.^۱

۱ . در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۱۲۴. این دعا در پایان همین کتاب آمده است.



■ دوستان ما کجا ناراحتند؟

حاج محمدعلی فشندی هنگام تشریف به محضر حضرت صاحب عرض کرد: مردم دعای توسل می‌خوانند و در انتظار شما هستند و شما را می‌خواهند و دوستان شما ناراحتند. حضرت می‌فرماید: دوستان ما نارحت نیستند. [برای ظهور ما دلتنگ نیستند].^۱

۱ . ۷۰۰ نکته از آیت الله بهجت، ج ۲، ص ۱۸۸.

■ ای کاش می‌نشستیم و درباره ظهور گفتگو می‌کردیم!
ای کاش می‌نشستیم و درباره این که حضرت غایب، چه وقت ظهور
می‌کنند با هم گفت‌وگو می‌کردیم تا حداقل از منتظران فرج باشیم. [امام
عصر] اشخاصی را می‌خواهند که تنها برای آن حضرت باشند. کسانی
منتظر فرج هستند که برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند، نه
برای برآوردن حاجات شخصی خود.^۱



■ امام زمان عامل کشتار یا مانع کشتار؟

بعضی خیال میکنند وقتی حضرت ظهور می کند، کشتار واقع می شود، ولی چنین نیست، بلکه کشتار، قبل از ظهور آن حضرت است. در روایتی آمده است سفیانی صد و هفتاد هزار نفر را در فلان محله یا منطقه عراق می کشد.^۱

۱. در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۲۶۱.

■ همه طوعاً یا کرهاً تابع امام عصر می‌شوند

از این خونریزی‌هایی که قبل از ظهور حضرت حجت واقع می‌شود، معلوم می‌گردد که ظهور آن حضرت مانع از خونریزی است. چون همه طوعاً یا کرهاً (از روی اشتیاق یا از روی اجبار) تابع آن حضرت خواهند شد. نیز معلوم می‌شود که آن قدر ظلم و خونریزی صورت می‌گیرد که برای همه روشن می‌شود که زمین از جور و ستم پر شده است. همه اهل زمین در هر کجا که باشند احساس می‌کنند سایه ظلم بر سر آنهاست و همه جهانیان حتی کفار در فشار به سر می‌برند و به انتظار نجات و مصلح و ظهور فرج می‌باشند.^۲

۱ . مراد از اجبار این نیست که حضرت افراد را با زور و اکراه به زیر فرمان خود می‌برد، بلکه مراد آن است که حتی افرادی که از پیروان حضرت نیستند از ظلم زمانه به حضرت پناه می‌آورند و پناهی غیر از او نمی‌یابند.
۲ . در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۳۶۵.

■ چه کسی امام زمان را می‌کشد؟

اگر امام زمان در میان ما بیاید و ظاهر و حاضر شود چه کسی او را می‌کشد؟ آیا جنیان آن حضرت را می‌کشند یا قاتل او انسان است؟ ما از پیش در طول تاریخ ائمه، امتحان خود را پس داده‌ایم که آیا از امام حفاظت و اطاعت می‌کنیم یا این که او را به قتل می‌رسانیم؟ انحطاط و پستی انسان به حدی است که قوم صالح، ناقه‌ای [شتری که خداوند برای آن‌ها فرستاده بود] که وسیله ارتزاق و نعمت آن‌ها بود را پی کردند [پایش را قطع کردند]؛ چنان که قرآن درباره آن فرموده «آب یک روز سهم شما و روز دیگر سهم ناقه باشد». آن ناقه یک روز آب چاه می‌خورد و در عوض به آن‌ها شیر می‌داد. بنابراین همان گونه که عَقَلًا، خزینه و انبار نعمت خود را نابود می‌کنند هم‌چنان که ناقه صالح را کشتند، امکان دارد که ما انسان‌های عاقل(!) نیز امام زمان را که تمام خیرات از اوست و از ناقه‌ی صالح بالاتر و پرفیض‌تر است برای اغراض شخصیه خود به قتل برسانیم!

■ متن دعای فرج

إِلَهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْعَطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ
وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَ
الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ
عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلْمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ
يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَكْفِيَانِي فَإِن كُنَّا كَافِيَانِ وَ أَنْصِرَانِي فَإِن كُنَّا نَاصِرَانِ
يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ
السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

خدایا بلاهای ما بزرگ شده و امور پنهان ظاهر شده و پردهها برداشته شد و زمین بر ما تنگ شد و رحمت آسمان از ما منع گردید. خدا تویی آن که از او یاری می‌طلبند و آن که شکایات را به نزد او می‌آورند و در هر سختی و آسانی تنها به تو تکیه می‌شود. خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست؛ رهبرانی که اطاعت آنانرا بر ما واجب کردی و این گونه مقام آنها را به ما شناساندی. خدایا به حق ایشان بر ما گشایشی فرست، گشایشی بسیار زود و نزدیک، هم چون چشم بر هم زدن و بلکه زودتر. ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد، مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده‌اید. مرا یاری کنید که شما یاری کننده‌اید. ای مولای ما، ای صاحب‌الزمان، فریادرس، فریادرس، فریادرس. مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب. همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت، زود، زود، زود. ای مهربان‌ترین مهربانان، به حق محمد و آل طاهریش.

■ دعایی که ظاهراً سرّی دارد!

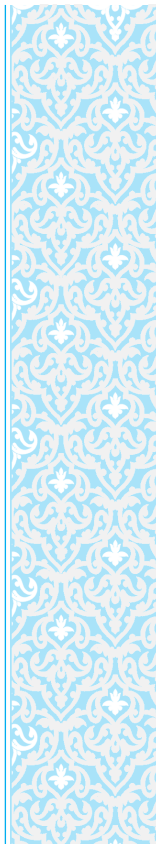
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ،
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ،
اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

خدایا خودت را به من بشناسان، که اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا پیامبرت را به من بشناسان، که اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا حجتت را به من بشناسان، که اگر حجتت را به من نشناسانی، در دینم به گمراهی رفته‌ام.^۱

۱. این دعا را مرحوم کلینی در زمان نواب اربعه، در کتاب مشهورش «کافی» در باب غیبت، با دو سند از امام صادق (ع) نقل کرده، همین طور شیخ صدوق آن را در کتاب کمال الدین به سه طریق نقل نموده است.

■ دعایی که در زمان گرفتاری زیاد باید خوانده شود
اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْغَمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ.

خدایا با حضورِ حجت، این گرفتاری‌ها و مشکلات را از این امت برطرف فرما و
ظهورش را برای ما زودتر بگردان.



■ منشورات نشر معارف (نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها)
از این نویسنده:



■ منشورات نشر معارف (نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها)
از این نویسنده:



■ منشورات نشر معارف (نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها)

از این نویسنده:



■ منشورات نشر معارف (نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها)
از این نویسنده:

